

ویژه نامه ۷ گروه ائتلافی درباره قانون اساسی و مجلس خبرگان

رزمندگان آزادی طبقه کارگر مبارزین آزادی خلق ایران
گروه نبرد برای رهایی طبقه کارگر مبارزان راه طبقه کارگر
اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

قیمت: ۵ ریال



پیام تلویزیونی رفیق در صفحه ۳

پیام رادیویی رفیق مرتضی آلاپوش

ممکن است بگویند که همه کن همن حرفها را میگویند. پس فرق شما با آنها چیست؟ جواب ما روشن است. ما میگوئیم تا وقتی سرمایه داری هست، فقر هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ظلم هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ستم هم هست. تا وقتی سرمایه داری هست، ارتش و پلیس و زندان و سرکوب هم هست. و بالا - خره تا وقتی سرمایه داری هست، بیماری، دزدی، فحشا و فساد و خیلی چیزهای دیگر هم هست. تازه از همه اینها گذشته در ایران، تا وقتی سرمایه داری هست، وابستگی هم هست و ما همیشه محتاج به خارج هستیم و سرمایه داران بزرگ دنیا، یعنی همان امپریالیستها منابع ما را غارت میکنند، و زحمتکاران ما را هم استثمار میکنند و نمی گذارند ما آزاد و مستقل باشیم. ما این جهت است که ما میگوئیم که جامعه را باید از اساس تغییر داد و جامعه ای ساخت که در آن سرمایه - داری حاکم نباشد.

جامعه ای که ما خواهیم آن هستیم جامعه سوسیالیستی است. یعنی ما میخواهیم بجای سرمایه داری سوسیالیسم باشد. در جامعه سوسیالیستی دیگر این سرمایه داران و ثروتمندان نیستند که حکومت میکنند، بلکه کارگران و زحمتکاران حکومت را در دست دارند.

در جامعه سوسیالیستی همه برادرانه کار میکنند و هرکس باندازه کارش بهره میرود کسی گرسنه و بیگار نمی ماند.

در جامعه سوسیالیستی، همه از رفاه، بهداشت، فرهنگ و مسکن استفاده میکنند. در جامعه سوسیالیستی همه زحمتکاران و کارکنان جامعه، از آزادی کامل برخوردارند.

رفیق ابراهیم نظری (کارگر)



رفیق در سال ۱۳۲۷ قزوین متولد شده و تحصیلات خود را تا فوق دیپلم ادامه داده است. زندگی در متن رنج و کار همراه با کارگران زحمتکش میهنمان. پشتوانه آشنائی رفیق ما درد و رنج طبقه کارگراست. در طول سالهای ۲۶ تا ۵۲ در کارخانجات ایران ناسیونال جنرال موتورز (آریا - شاهین سابق)، کنترل سازی و ایران دوجک کار میکرد و همین خود موجب دیگری بود بر آشتی ناپذیری وی با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه جلا و زمینه مساعدی برای درک معنی مسائل، دردها و محرومیت های طبقه کارگر.

رفیق ابراهیم، در سال ۴۸ با مسائل سیاسی بطور جدی آشنا شده و زندگی سیاسی اش را نیز از آن سال آغاز نمود. بدنبال آشنائی با مسائل سیاسی و درک ضرورت مبارزه انقلابی، در سال ۵۰ به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست که پس از دو سال زندگی مبارزاتی در این سازمان، در اوائل سال ۵۲ توسط خلدان ساواک در اصفهان دستگیر و در بیدادگاه شاه خاش به ۱۰ سال حبس محکوم گشت. در سال ۵۵ - ۵۴ در جریان مبارزه ایدئولوژیک درون زندان، آندوخته های مبارزاتی وی و درک عمیق از زندگی طبقه کارگر موجب شد که رفیق تغییر ایدئولوژی داده و اندیشه طبقه کارگر را بپذیرد. رفیق در اواخر سال گذشته بر اثر مبارزات توده های وسیع خلقهای میهنمان از زندان آزاد شد.

رفیق نظری هم اکنون در کارخانه کنترل سازی قزوین کار میکند و پیشنهاد ۷ گروه را برای شرکت در انتخابات "مجلس خبرگان" پذیرفته و بعنوان کاندیدای نمایندگی این گروهها معرفی شده است.

بقیه در صفحه ۴



پیام رادیویی رفیق افخم احمدی خطاب به کارگران، زحمتکاران و خلقهای قهرمان ایران:

کارگران، زحمتکاران و خلقهای قهرمان ایران
من افخم احمدی با گرمترین درودها، کاندیدای گروه سیاسی ائتلافی:
- رزمندگان آزادی طبقه کارگر
- مبارزین آزادی خلق ایران
- مبارزان راه طبقه کارگر
- اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر
- نبرد برای رهایی طبقه کارگر
- پیوند
- سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
نظرآستان را درباره پیش نویس قانون اساسی بیان می - کنیم.

ولی با تصویب مجلس شورای ملی، مردم ما میخواهند هر نوع وابستگی و اعطای امتیاز به سرمایه داران و امپریالیستها برای همیشه قطع شود و دولت ما آوردن چنین موادی در پیش نویس قانون اساسی، آنرا رسمی و قانونی نمیکند.

وقتی دولت در جهت وابستگی هرچه بیشتر پیش رود، در واقع نظام جامعه ما تغییر می خواهد کرد و مردم ما با زهم با مشکلات و فشارهای دوران قبل از قیام روبرو خواهند شد. چون آزادی بدون استقلال، دموکراسی بدون استقلال و تامین رفاه اجتماعی بدون استقلال و رهائی از دست امپریالیستها معنایش ندارد. سیاست های دولت در ۵ ماه گذشته و همچنین پیش نویس قانون اساسی و نحوه انتخابات مجلس خبرگان و جایگزینی آن با مجلس مؤسسان نشان میدهد که دولت نماینده و حامی منافع توده های زحمتکش نبوده و نمیخواهد که نمایندگان واقعی طبقات زحمتکش وارد مجلس شوند و از حقوق خود دفاع کنند. چنین دولتی نمیتواند استقلال و آزادی واقعی و رفاه مردم را تامین کند.

شما دولتی نمیتواند واقعاً استقلال کشور را حفظ کند که فقط نمایندگان واقعی کارگران، زحمتکاران و سایر نیروهای خلقی در آن فعالانه شرکت داشته باشند. حال آنکه دولت کنونی نه تنها نماینده کارگران و زحمتکشان نیست، بلکه قدرتی را که مردم خود در طول قیام از صاحبان قدرت، رئیس و روسا و کارفرمایان به زور گرفته بودند محدود کرده و در مدد سرکوبان میباید، ندیده گرفتن حقوق ملی خلقهای کرد و ترکمن و بلوچ برای تعیین سرنوشت خود نیز از این سیاست دولت جدا

نیست. سرکوب جنبش ملی خلقها و جنبش های دهقانسی توسط ارتش و کمیته ها و عناصر مرتجع نشان دهنده آن است که دولت کنونی و پیش نویس ارائه شده حقوق ملی و منافع دهقانان را زیر پا می گذارد و از مرتجعین و فئودالها حمایت میکند نمونه آن حمایت دولت از دارو دشته ارتجاعی و مزدور و مفتور در کردستان میباشد. در مورد قراردادهای اجاره ای اجاره ای نیز پیش نویس قانون اساسی نه تنها سکوت کرده بلکه راه را برای سودبری سرمایه داران داخلی و خارجی باز گذاشته است و این در حالیکه بیش از ۶ هزار قرارداد اجاره ای نه تنها لغو نشده بلکه از دید ما محرمانه هم مانده است.

سایر مواد مندرج در پیش نویس چون سیاست دولت در مورد ارتش، در مورد حقوق زن، در مورد نقش رئیس جمهور و ... همه و همه حاکی از آن است که نه تنها دولت و نه دولتهاش که پس از این و با این چنین قوانینی بر سرکار آیند نخواهند توانست منافع زحمتکاران، و آزادی و استقلال کشور را تامین نمایند.

از اینرو کارگران، زحمتکاران و دیگر اقشار خلق باید با اتحاد و همبستگی رزمنده خود انقلاب نا تمام را کامل کرده و بقایای سلطه امپریالیسم و وابستگی را برای همیشه از کشور ریشه کن سازند و زمینه را برای حاکمیت واقعی خود و نیل به جامعه بی طبقه هموار سازند. با امید به پیروزی کارگران، دهقانان و زحمتکاران و خلقهای قهرمان ایران

کارگران ، زمینکنان و خلقهای قهرمان ایران !
 من افخم احمدی با گرم ترین درودها ، کاندیداسی
 گروه سیاسی ائتلافی :
 ۷ روزندگان آزادی طبقه کارگر
 - مبارزین آزادی خلق ایران
 - اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر
 - گروه نبرد برای رهاشی طبقه کارگر
 - پیوند
 - مبارزان راه طبقه کارگر
 - سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نظرشان را در باره مجلس خبرگان و پیش نویس قانون اساسی و دولت خود را با این سؤال که آیا مجلس خبرگان و پیش نویس قانون اساسی میتواند حامی منافع کارگران و زمینکنان باشد آغاز میکنم :
 اظهار نظر درباره مجلس خبرگان و انگیزه های دولت از تشکیل آن نمی تواند از روشن کردن حرکت و فعالیت دولت در این ۵ ماه پس از قیام جدا باشد . اما از آنجا که در اینجا فرصت نیست که این حرکات را یک بیک بررسی کنیم ، بطور خلاصه نگاهی به فعالیت های دولت موقت می اندازیم ، بخصوص که نیروهای انقلابی به سه ویژگی متمایز است : بارها این حرکات را برای مردم توضیح داده اند .

دولت موقت از همان زمانی که با بهره گیری از مبارزات خویش و قیام مسلحانه خلق ما به قدرت رسید ، به دلیل ماهیت طبقاتی روز بروز بیشتر از تائین منافع کارگران و دهقانان و سایر مردم زمینکنان در زمینه اقتصادی دست چپا و لنگران و امپریالیستی های فارتگر را به منافع ملی و نیروی کار زمینکنان باز هم ، باز گذاشت و دادن امتیاز و انحصار تجارت را به آنان مجاز می شمرد (۵۸/۲/۱۶) آقای مولوی رئیس بانک مرکزی دولت موقت سیرا به داران وابسته فراری را به ایران فراخوانده میگوید که امتیازها را تضمین کنند . دولت به بهانه حل مسئله بیکاری میلیاردها ربا لکت به سرمایه داران میدهد در حالی که از سه میلیون کارگر بیکار فقط به ۶۰ - ۵۰ هزار نفر از آنان وام ناسی می دهد فقط تا شهریور ماه ، و بسیاری سیاست های اقتصادی دیگر آغاز میکند که نه در جهت حل بحران اقتصادی و تائین منافع زمینکنان و کارگران بسوده بلکه در خدمت پاسخ دادن به منافع سرمایه داران می باشد . در زمینه سیاسی فرادادهای امارت آور نظامی - اقتصادی و فرهنگی در دست هیئت حاکمه و در کشور وزارت - خانه ها باقی میماند . این نشان از مردم مخفی نگه داشته میشود ، آزادی های دموکراتیک سرکوب میشود ، نگاهی به مینتنگ ها و جمله افراد معلوم الحال به آنها ، جمله به دفتر روزنامه ها ، اعتراضات ، نظارات و ضمن های کارگران و بخصوص کارگران بیکار و بکلوله بستن آنها که نمونه های آن را چندین بار در افغان در مورد کارگران بیکار و در کارخانه پارس مینوی زنگان دیدیم همه و همه نشان از آن دارد که قدرت حاکمه در سد محدود کردن آزادی ایست که مردم در طول مبارزه بیکال گذشته خود بدست آورده اند . مسئله دیگر ، مسئله برخورد دولت به حقوق خلقهاست ، خلقها خواهان خود مختاری با حفظ وحدت و یکپارچگی در ایرانی مستقل و دموکراتیک میباشد اما دولت و رادیکالیزم حاکم دولت آنها را تجزیه طلب میخوانند و میخواهند شهرهای کردستان را زیر تسلط ارتش در آورند . البته خلقها نتایج کرد هیچگاه زیر بار آن نرفتند و اکنون در مرزبان می بینیم که چگونه مردم زندگی در بیابان را به زندگی در زیر بار ظلم و ستم ارتش ترجیح دادند .

دولت برای دهقانان چه کرده است ؟ هر روز می - تنومیم که در مناطق مختلف مثل کردستان ، ترکمن صحرا ، بلوچستان و فارس خانها و فئودالها دست به اذیت و آزار دهقانان و حتی بیرون کردن آنها از زمین هایشان زده اند . بجای اینکه حکومت به مجازات خانها بپردازد از طریق زاندازی آنها را منحل کرده است . دولت کی و کجا حتی یک نفر از این خانهای مرتجع را مجازات کرده است ؟

در عوض می بینیم که دولت با تمام ابزار سرکوب خود و با استفاده از کمیته ها همین دهقانان را به گلوله بسته و تعداد کثیری از آنها را شهید کرده است ، چرا باید برادران و خواهران زمینکنان ما در سنج ، نغد و ترکمن صحرا این چنین بیشرمانه کشتار شوند ؟ چرا باید دولت انقلابی از افراد گارد جاویدان منصور

پیام رادیویی رفیق افخم احمدی

که با سازی شده است در سرکوب مردم زمینکنان میهن ما که در سرنگونی رژیم مغفوری پهلوی نقش تعیین کننده داشته و شهدای بسیاری برجا گذاشته اند ، استفاده کنند . دولت در عوض توجه به خواسته های خلقهای ستم کشیده ایران و تمام نیروهای خود را چه از نظر تبلیغاتی و چه از نظر نظامی برای برآوردن جنگ و برآوردن سبب کرده است . مگر کردها ، عربها و ترکمن ها چه کرده اند ؟ آنها خواهان دخالت در امور مربوط به خود هستند ، در چارچوب ایرانی مستقل و دموکراتیک خواستار خود مختاری می باشند . اما دولت که چشم بدین دخالت مردم در امور خویش را ندارد و می خواهد مثل سابق عده ای رهبر باشند و بقیه از آنها اطاعت کنند ، به تحریکات و جنگ جابری پرداخته است . دولت کمر به نابودی شوراهای شهری و روستایی در این مناطق زده است .

کارنامه های ۶ ماهه دولت موقت ، رفاشیهایی روز افزون مردم از سیاست دولت و نیروهای حاکم و اوچ گیری اعتراضات و مبارزات آنهاست که وضعیت دولت را روز به روز ناپایدارتر و متزلزل میکند . به همین جهت است که دولت میخواهد هرچه زودتر قدرت خود را تثبیت کند .

روشن است که دولت با چنین انگیزه ای از تشکیل مجلس نمیتواند قانون اساسی ای را به تصویب برساند که

هیچ قانونی که داشتن کار، مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش راه اجتماعی طبقه کارگر و توده ها را تضمین و تضمین نماید، در تمام پیش نویس بی چشم نمی خورد

منافع شده ها و کارگران را برآورده سازد و این قانون اساسی تنها منافع سرمایه داران و طبقات حاکمه را تائین خواهد نمود . متن پیش نویس قانون اساسی هم در صورت تصویب حکومت سرمایه داران را باریکتر قانونی خواهد نمود و بالا و پایین شدن یکی دو ماده و حذف و تغییرات و اصلاحات در آن هیچ تنبیری در واقعیت و هدفهای آن نخواهد داد و ما خود نیز امید به اصلاح آن نیستیم . ولی برای آنکه دقیقاً روشن سازیم که ما به تواتر نیست این پیش نویس چیست چند ماده آنرا توضیح میدهم .

مهمترین خواستی که توده های ما در تمام طول قیام در بی آن بودند کوتاه شدن دست امپریالیست های ایران بود . انقلاب ما که یک انقلابند امپریالیستی بود ، با حاکمیت قدرت حاکمه کنونی به هدفهای خود نرسیده پیش نویس قانون اساسی نیز این وابستگی را قانونی میکند . در اصل ۶۰ پیش نویس قانون اساسی آمده است که دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات عمومی و اعطای امتیاز به انحصارات بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است . این ماده به زبان بی زبانی وابستگی به کشورها و امپریالیست را مجاز دانسته و تنها خواستار تصویب مجلس شورا است . واضح است مجلس شورایی که در زیر لوی چنین حکومتی تشکیل شود لحظه ای در تصویب آن دریغ نخواهد کرد . مردم ما قطع کاسل وابستگی را میسوزانند و پیش نویس قانون اساسی بدون آنکه هیچ ماده ای را دال بر ضد امپریالیست بودن انقلاب مطرح کند ، تصویب امتیاز به خارجیان را مشروط به مجلس شورا میکند . معادله و ملی کردن سرمایه های وابسته به طی بیابان دراز مردم ما را به خاک سیاه نشانده به فراموشی سپرده شده است . حال آنکه یک قانون اساسی انقلابی و یک دولت انقلابی باید با معادله کردن سرمایه های خارجی ، با در دست گرفتن منابع وابسته و وابستگی به امپریالیسم را برای همیشه خاتمه دهد و ایرانی مستقل آزاد بوجود می آورد . مسئله دیگر مسئله حقوق ملی خلقهاست . تمام مردم ما در سالهای گذشته از دیکتاتوری و جناحیهای رژیم پهلوی زجر بسیار کشیده اند و همه و همه ، کرد ، بلوچ و فارس در مبارزه علیه شاه و سرنگونی رژیم پهلوی سلطنت دخالت فعال داشتند . خلقهای کرد و بلوچ و ترکمن و عرب و ...

سند دیگری را تحمل میکردند و آن ستمی است . آنها حق نداشتند بزبان ملی خود صحبت کنند و با بنویسند ، آنها حق نداشتند خود را ، خود اداره کنند و ... از همین رو آنها اکنون خواستار رفع ستم ملی و شناسایی حق تعیین سرنوشت خود هستند اما چگونه است که بعد از قیام در مقابل اولین خواست خود که همانا بدست آوردن حق خود مختاری در چارچوب وحدت و یکپارچگی ایران میباشد در کردستان ، خوزستان و ترکمن صحرا و ... به گلوله و خمپاره بسته میشوند ؟ در پیش نویس قانون اساسی تنها یک اصل مهم و سنگ درباره این مسئله مهم طرح شده است . اصل ۵ - اینکه همه اقوام برابرند مگر به حکم تقوا . مگر میشود در مورد تقوای یک قوم نظر داد و این چکار به آزادی خواهی و حقوق خود مختاری دارد . آیا با کلمات مبهم و کشدار در یک قانون که سرنوشت آینده جامعه را تعیین میکند ، میتوان به این مسائل پاسخ داد ؟ دولت و پیش نویس قانون اساسی با کلمات گزاف مسئله خود را آبه آبیاب دشمنان انقلاب ایران و امپریالیستها میریزند . یک قانون اساسی انقلابی و یک دولت انقلابی حق خود مختاری و تعیین سرنوشت را قانونی نموده و ملیت های مختلف را در تعیین سرنوشت خود آزاد می گذارد . مسئله دیگری که بسیار مهم بوده و بدان توجهی نشده ، مسئله زنان است .

قانون اساسی به هیچ عنوان مسئله حقوق زنان را در نظر نگرفته است و تنها به گفتن این اصل مبهم کفزن و مرد در مقابل قانون مابیند است . اما کلام قانون ؟ آیا منظور قانونی است که به زن اجازه قضاوت میدهد ، ارتزن را نصف مرد تعیین میکند ، تعدد زوجات را آزاد می گذارد ، حق طلاق را به مردان می دهد و ... ما باید به جای این قوانین مبهم به فکر قوانینی باشیم که آزادی زنان را از هر نظر تائین کند . مزد مساوی در مقابل کار مساوی ، حق مسافرت ، حق طلاق و حق داشتن هر شغلی که زنان بدان مایل باشند ، ... رابه آنان بدهد . آیا قانون اساسی به این خواست پاسخ داده و آیا با این وجود ، این یک قانون اساسی انقلابی است ؟ در یک قانون اساسی انقلابی حقوق زن بطور کامل مساوی در مقابل مردان تائین و بطور روشن و دقیق توضیح داده میشود . در مورد حقوق کارگران و زمینکنان و خلقها و حمایت از منافع آنان ، و پایان بخشیدن به استثمار و بهره کشی هیچ بنی به میان نیامده است ، هیچ قانونی که کار ، مسکن ، بهداشت ، آموزش و رفاه اجتماعی طبقه کارگر و توده ها را تائین و تضمین نماید ، در تمام پیش نویس بی چشم نمی خورد . علت آن هم واضح است . این به پیش نویس قانون اساسی کارگران و زحمت کشان و خلقها ، بلکه پیش نویس قانونی است که از منافع سرمایه داران دفاع میکند . حال آنکه در یک قانون اساسی انقلابی تمام موارد تائین مسکن ، بهداشت ، شرایط کار مناسب ، ساعت کار حداکثر ۴۰ ساعت و تائین رفاه خانواده ، حقوق بازنشستگی ، و غیره و غیره ذکر می - شود .

در مورد بسیار چیزها از قانون اساسی میتوان سخن گفت . محدود کردن آزادیها با "اگر و مگر" ها ، اختیارات نامحدود رئیس جمهور که از او یک دیکتاتور میسازد و تمام مملکت را بدست یک نفر می سپارد و ... وجود شورای نگهبان که به آنها حق وتوی تصویب قوانین را میدهد ، که بسیاری از نیروهای مترقی و دموکرات و کمونیست ها از آن گرفته اند . ما معتقدیم آزادی جدا از استقلال مفهومی ندارد . به این علت وجود این مواد با توجه به وابستگی ما به امپریالیسم تجسبی هم ندارد .

اما ما باز هم آنچه که در ابتدا گفته ایم تکرار میکنیم . این دولت علیرغم آنکه خود را دولت "مستغنی" میداند ، علیرغم آنکه چنین وانمود میکند که حامی کارگران و زمینکنان است اما کارنامه ۵ ماهه اش و پیش نویس قانون اساسی و اصولا خود مجلس خبرگان جز این را نشان میدهد و بدین علت این مجلس با این پیش نویس نمیتواند مورد قبول کارگران و زمینکنان شهر و ده ، خلقها و روشنفکران انقلابی و دموکرات بوده و منافع آنان را تائین نماید . آنچه که در خور چسبنا جنبشی و چنان جا نشناختنی های میباشد ، نه این پیش نویس و نه این مجلس بلکه یک مجلس دموکراتیک و مردمی شامل نمایندگان واقعی زمینکنان شهر و ده و کارگران و خلقها می باشد ، و فقط این مجلس است که می تواند یک قانون اساسی واقعی بر اساس منافع توده ها را تصویب نماید .

ادامه از صفحه اول

دنباله پیام رادیویی رفیق آلابوش:

برخوردارند. هر عقیده و مذهب و مرامی آزاد است و هیچکس را بخاطر عقیده اش اذیت نمیکنند و مورد آزار قرار نمیدهند و سرکوب نمیکنند. در جامعه سوسیالیستی از دزدی و فساد و فحشاء خبری نیست، چسبون علت همه اینها فقر است. و وقتی دیگر کسی فقیر نباشد و آموزش هم برای همه رایگان باشد، دلیلی ندارد که به این نوع کارها رو بیاورد. چون برای همه کس امکان کار شرافتمندانه وجود دارد.

وقتی جامعه سوسیالیستی پیشرفت زیاد کرد، وقتی دیگر شعور و آگاهی مردم بالا رفت، وقتی صنعت و کشاورزی پیشرفت کرد و دیگر اشتماگر و استثمار کننده وجود نداشت، وقتی جامعه آنقدر جلو رفت و پیشرفت کرد که هرکس به اندازه توانش اش کار کند و بقدر احتیاجش از تولیدات جامعه استفاده کند، آن وقت ما می گوئیم که جامعه اشتراکی ما کمونیستی است. البته ما می دانیم که ساختن جامعه سوسیالیستی و جامعه بی طبقه کمونیستی، که در آن همه با هم برابر باشند و از ظلم و جور و فساد و غیره خبری نباشد کار امروز و فردا نیست، احتیاج به زحمت و کار زیاد دارد و به خصوص احتیاج دارد که زحمتکاران و بخصوص کارگران که سارنده جامعه سوسیالیستی هستند، خوب آشناسند. در مرحله کنونی که دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم و وابستگی مزدور داخلی آن میباشد برنامۀ حداقل ما قطع کامل سلطه امپریالیسم در زمینه های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، معادله سرمایه های خارجی و وابسته، لغو قراردادهای ظالمانه با کشورهای

امپریالیستی و سلطه طلب، محو کامل بقایای فئودالیسم و سپردن زمین به دهقانانی که روی آن کار میکنند، شرکت کارگران در اداره و نظارت مؤسسات تولیدی، سرکوب کامل ضد انقلاب و بقایای آن، برسمیت شناختن حقوق ملی خلقهای کرد، ترک، عرب، بلوچ و ترکمن، تا مبن حقوق و آزادیهای اساسی زحمتکاران ما ننهدن کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکاها و اتحادیهها، نظا هرات، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذهب است که پیروزی این برنامه مستلزم استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، یعنی حکومت کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق به رهبری طبقه کارگر است.

اما دولت کمونیستی تنها این کارها را نمیکند، بلکه ما را که از منافع زحمتکاران دفاع میکنیم، متهم به اغلالگری میکنند و بما میگویند اغلالگر، به کمونیستها تهمت میزنند و اجازه نمی دهند تا از خود دفاع کنند. ولی ما کمونیستها آنطور نیستیم که مخالفین ما می گویند و آنها تشکیک آگاهی کافی ندارند باور میکنند. مخالفین ما به ناروا می گویند که کمونیستها میخواهند زنان را اشتراکی کنند و فساد را رواج دهند. اینسان یک تهمت نادرست است. بعکس کمونیستها میخواهند هر گونه فساد را از بین ببرند و زنان ما با مردان مساوی باشند. آنها می گویند کمونیستها می خواهند با خدا محاربه کنند. در مورثیکه مسئله این نیست وهما نظور که گفتیم کمونیستها خواهان آزادی عقیده و مرام و مذهب برای همه هستیم. بعضی های می گویند درست است که کمونیستها رفاه مادی، نان، مسکن، کار و غیره را برای همه فراهم میکنند، اما در جامعه کمونیستی از منویات خبری نیست. این هم نادرست است. در جامعه کمونیستی منویات از همه بیشتر است. فرهنگ و آموزش

برای همه رایگان است. هنر و ادبیات و دیگر عوامل معنوی از همه بیشتر رشد میکند.

بعضی ها میگویند کمونیستها وابسته به کشورهای خارجی و بخصوص وابسته به روسیه هستند. این همدست نیست. کمونیستها واقعی فقط به زحمتکاران و بخصوص کارگران تشکیک دارند.

اگر از این آدمها بپرسید دلیل مدرکشان چیست جزبی را مثال می آورند که به شوروی وابسته بوده و می گویند این حزب میخواهد ایران را به شوروی وابسته کند. ولی این مطلب ربطی به کمونیستها واقعی ندارد کمونیستها واقعی با هر نوع وابستگی، بهر کس که باشد، چه آمریکا و چه روسیه و چه هر دولت دیگر، کاملاً و جدأ مخالفند. کمونیستها واقعی با هر کس که خواهد ایران را وابسته کنده مخالفند و با او مبارزه میکنند. یکی از دلایلی که کمونیستها دشمن سرخشان شایع بودند و شاه خاشن هم البته دشمن کمونیستها بود، همین بود که شاه، ایران را به آمریکا وابسته کرده بود. بطور کلی دو دسته افراد این اتهام ها را به کمونیستها میزنند. یک دسته آنها می گویند که منافع شان، با خواستهای کمونیستها، به خطر می افتد، یعنی مفتخورها و سرمایه داران و عمال آنها و دست دیگر آنها تشکیک آگاهی ندارند و کمونیسم را نمی شناسند و هرچه دشمنان کمونیسم گفته، آنها هم باور کرده اند و تکرار میکنند.

بیش از این فرصت نیست که در مورد نظرات خود - مان توضیح دهیم و اگر فرصت دیگری بدست آید دنباله برنامۀ ما را با توضیح خواهیم داد.

به امید پیروزی نهائی کارگران، دهقانان، زحمتکاران و خلقهای قهرمان ایران

درد به شهادی راه آزادی،

- کارگران، زحمتکاران و خلقهای قهرمان ایران
- من مرتضی آلابوش با گرمترین درودها، کانبدای ۷ گروه سیاسی اشتالاتی:
- وزمندان آزادی طبقه کارگر
- مبارزین آزادی خلق ایران
- اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر
- نبرد برای رهائی طبقه کارگر
- پیوند
- مبارزان راه طبقه کارگر

و سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نظراتمان را درباره شیوه های غیردموکراتیک دولت در انتخابات مجلس خبرگان بیان میکنم.

تلویزیون بما ۵ دقیقه وقت داده تا برای اولین و آخرین بار نظراتمان را بیان کنیم.

آیا بنظر شما فقط ظرف ۵ دقیقه میتوان نقطه نظرها و برنامۀ ما را توضیح داد؟

آیا بنظر شما پس از انتخابات، و به پایان رسیدن این زمت های تبلیغاتی مسئولین، با هم ما را در پشت رادیو و تلویزیون حتی برای ۵ دقیقه خواهد دید؟ ما که چنین فکر نمیکنیم. آینده نشان خواهد داد. آیا رادیو و تلویزیون بطور مساوی و به اندازه کافی در اختیار گروهها و سازمانها قرار گرفته است تا عقاید و نظرات خود را برای مردم توضیح دهند؟ و یا فقط در انحصار گروه خاصی قرار داشته است؟

برای نظا هر به اینکه انتخابات آزاد است و امکان نات تبلیغاتی برای همه یکسان، در آخرین دقیقه نزدیک به زمان انتخابات، ۵ دقیقه وقت در اختیار گانبدایا قرار داده و گفته اند نظراتمان را بیان کنید. امکان نات تبلیغاتی از نیروهای انقلابی و کمونیست ها سلب شده و مانع از آزادی بیان و عقیده شده اند، و تا بحال این فرصت را به ما نداده اند که بطور متوسط نظرات و عقاید خود را برای مردم زحمتکش بیان کنیم. چرا چنین است؟ آیا دولت از آگاه شدن مردم زحمتکش به حقوقشان هراس دارد که مانع از افشای حقایق می شود؟ به نظر ما چنین است.

مسئولین امر از مدت ها قبل ذهن مردم را نسبت به کمونیستها و نیروهای انقلابی مسموم کرده اند. آنها با توجه به این مسئله، این انتخاباتی آزاد است؟ با توجه به اهمیتی که انتخابات و تدوین قانون اساسی دارد، آیا شما مردم مبارز با نظرات و عقاید گروههای مختلف به اندازه آگاه شدن مردم زحمتکش آنها رای دهید؟ آیا در شرایطی که عناصر شناخته شده ای که مردم نا آگاه را تحریک میکنند تا اعلامیه ها و

شراکت های انتخاباتی کمونیستها و نیروهای انقلابی را پاره کنند و کسانیکه این شریات را پخش میکنند به وسیله کمیته ها دستگیر و کتک میخورند. آزادی اشتا - بائی میتواند معنایی داشته باشد؟ نه به نظر ما این انتخاب در شرایطی کاملاً غیر دموکراتیک برگزار میشود. اما این شیوه های هیئت حاکمه از سیاست ها می که تا کنون در پیش گرفته است جدا نیست. حمله به اجتماعات و میتینگها وسیله عدهای چماق بدست و عنانمر

پیام تلویزیونی رفیق مرتضی آلابوش

ارتجاعی با سکوت دولت مورد تائید قرار گرفته و روز و نامۀ هائی که حقایق را بازگو میکنند شدیداً تحت فشار قرار گرفته اند به کتاب فروشی ها و روزنامه فروشیها حمله میکنند و روزنامه و کتابها را پاره پاره کرده و به آتش میکنند، مسئولین امر در اینمورد چه کرده اند؟ هیچ!

این است معنی آزادی؟

آیا کارگران حق اعتصاب دارند؟ یا اعتصابات آنان با یورش و تهاجم افراد مسلح روبرو میشود؟ اگر حقوق اعتصاب دارند چرا کارگران پارس مینو را به مسلسل میبندند؟ نیروی ویژه که همان اداره حفاظت سابق است و کارگران بخوبی آن را میشناسند در کارخانه ها برای چه تشکیل شده؟ برای حمایت از کارفرمانا کارگران را سرکوب کنند.

آیا کارگران حق نظا هرات برای رسیدن به حقوق خلق خود را دارند؟ اگر دارند پس چرا اجتماع کارگران بیکار امفهان را به گلوله بستند و نا مرثوفیقمان را شهید کردند؟

چرا دولت در برابر این فاجعه سکوت کرد؟

دهقانان چطور؟

شوراهای دهقانی محدود و سرکوب میشوند، چرا نباید دهقانان زمین را صاحب شوند که خود روی آن کار میکنند؟

چرا دهقانان باید توسط بانکها و پیش خرها مورد ستم قرار گیرند؟

دولت با خلقها چه کرده است؟

خلق کرد و ترکمن در اولین بهار به اصطلاح آزادی سر -

کوب شدند و دولت در مدد است که شهرهای کردستان را زیر حکومت نظامی درآورد. آیا این است معنای آزادی و حاصل قیام بیکار و نیمه خلق مبارز ایران؟

می بینیم که دولت تنها به خواست اکثریت مردم ما پاسخ نداده است بلکه در مقابل به بازسازی ارتش، زاندارمری و شهربانی توسط فرماندهان سابق دست زده، رکن دو و سازمانهای اطلاعاتی را که عملاً کار ساواک را انجام میدهند دوباره بازسازی کرده و نیروهای انقلابی را دستگیر و کتک میکند. چرا دولت بجای دفاع از منافع اکثریت تنها به فکر اقلیتی از سرمایه داران و خانها و فئودالها است؟ چون دولت، حامی سرمایه داران حتی سرمایه داران بیگانه برست میباشد و قعد ندارد، نمی خواهد دست امپریالیستها را از ایران کوتاه کند.

اما ما خود چه می گوئیم؟ ما میگوئیم باید دست دشمن اصلی ما یعنی امپریالیستها از ایران کوتاه شود. ما می گوئیم باید از نظر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی از زیر ستم بیگانگان خارج شویم. ما می گوئیم: باید سرمایه های سرمایه داران وابسته را معادله و ملی کرد و اداره کارخانجات را به شوراهای کارگری سپرد.

ما می گوئیم، باید زمین های اربابی را بین دهقانان تقسیم کرد، باید کلیه دیون کشاورزان را لغو نمود. باید در دهات تمام امکانات رفاهی را بوجود آورد.

ما می گوئیم باید حقوق خلق کرد، عرب، ترکمن و بلوچ را در چارچوب ایرانی دموکراتیک و آزادی به رسمیت شناخت.

ما می گوئیم باید حق کار، حق اعتصاب، آزادی احزاب، سندیکاها، اتحادیهها و نظا هرات، آزادی بیان و قلم و عقیده و مذهب تا مبن شود.

ما می گوئیم برای اسکند بتوانیم چنین کارهایی را انجام دهیم باید کارگران و زحمتکاران غسود حکومت را در دست بگیرند.

وقت من به پایان رسید در حالیکه هنوز بسیاری از آنها مان و تبلیغات مسموم کننده ایکه بطور مستمر از طریق هم رادیو و تلویزیون علیه کمونیستها واقعی به ذهن شما تزریق میکنند پاسخ نگفتم، اما علیرغم این محدودیت ها ما همچون گذشته تمام تلاش خود را برای افشای واقعبات و بازگو کردن حقایق، تحت هر شرایطی بکار خواهیم بست چرا که حقیقت همیشه منبغ توده هاست.

با امید به پیروزی نهائی کارگران، دهقانان، زحمتکاران و خلقهای قهرمان ایران

ادامه از صفحه اول
دنباله پیام رفیق نظری
نظرشان را درباره مجلس خبرگان و پیش نویس قانون اساسی و دولت بیان میکنم .

ما نه برای انتخاب شدن بلکه برای بازگویی خواسته های سرح خود به توده هایمان شرکت کرده ایم . چرا که ترکیب این دولت و پیش نویس قانون اساسی آن هیچ وجه قادر به برآوردن نیازهای اساسی کارگران و دهقانان و خلقهای تحت ستم ما ، چه کرد ، چه ترک ، چه لر و چه عرب نمی باشد . چرا که دولت موقت خواسته های ما کارگران و سرمایه داران را در یک کاسه می ریزد و همه را یکجا مستعمل مینماید . سرمایه داران و نیروهای ضد انقلابی در سکر دولت و مجلس خبرگان جای گرفته اند و همچنان در فددند که با سرکوب ما کارگران و دهقانان و خلقهای تحت ستم شیوه گذشته ولسی در تکلکهای فریبنده تر همچنان ما را استثمار کرده و آزادیهای ما را محدود کنند . سلطنت طلبان دسروز ، امروز لباس جمهوری اسلامی در سر کرده اند و سرمایه داران دیروز مستعملین امروز گردیده و سعی میکنند مانع از رسیدن به حقوق اساسی ما زحمتکشان گردند . چرا که سرمایه دارو کارگر ، خلق و ضد خلق ، در هیچ کسای این دنیا با پوششی اسمی در کنار یکدیگر قرار نگرفته اند و نمیتوانند هم بگیرند . بلکه برعکس همیشه منافع آنان ، راه آنان ، خواسته های آنان با هم متفاوت بوده و در جادند و به اصطلاح خودمان گرگ و میش نمیتوانند از یک چشمه آب بخورند . با حکومت کارگران و دهقانان و زحمتکشان و شهری با حکومت سرمایه داران ، که در این صورت با مبارزه با زندقا کاری ، باز جانبازی بسیاری رهاش از دست سرمایه داران ، جریان معمولی زندگی ما کارگران و زحمتکشان را تشکیل خواهد داد . ما معتقدیم که در هر جامعه که استثمارگر استوارکننده وجود داشته باشد ، ارتش نیروی سرکوبگر زحمتکشان است و قانون اساسی آن نیز این سرکوبگری را قانونی جلوه مینماید .

لذا لازم می بینیم موقع دولت را در قبال خواسته های توده مردم روشن کرده و بخواهیم برای رسیدن به خواسته های اساسی خود مشکل تر شده تا دشمنان طبقاتی تاریخی خود را نابود کرده و خود تشکیل دولت کارگران و زحمتکشان را داده و قانون اساسی آنها نیز نماینده گان کارگران و زحمتکشان تهیه نمایند و با خون خود آنها با داری بنامیم .

حال برای اینکه وضع زندگی خودمان را قیصل از قیام و بعد از قیام (در این مدت ۵ ماهه مقابله کنیم و وضعی را که آرزو داریم به آن برسیم بطور مختصر شرح دهیم تا ببینیم کجای کاریم و کجا رسیده ایم و چقدر از خواسته های ما برآورده شده و چه فاصله های تا رسیدن به همه خواسته هایمان داریم و چگونه میتوانیم به خواسته هایمان برسیم تا آنها دنبال کنیم ، اشاره های گذشته لازم است .

تا قبل از قیام خونین بهمن ماه طاغوت بود ارتش و ژاندارمری ، ساواک و دستیاران ساواکیش در هر کارخانه ، در هر روستا ، در هر دانشگاه و دانشکده و فخره همه جا تا یک خواست جمعی مطرح میکردیم به رهبران میگفتند اخلالگر ، عامل بیگانه ، وطن فروش خائن ، کمونیست ، مرتجع سیاه و سرخ . در کارخانه ها زور بود و فشار و سرکوب هر حرکت کارگری ، سندیکای واقعی و نه نماینده کارگران واقعی ، بغیر از عناصر ششی که در هر حالتی نمایندگان واقعی طبقه کارگر بودند . همه چیز فرمایشی ، تحت کنترل ساواک ، زیر نظر کارفرما و جفا کارهاش . تا حرکتی جمعی صورت میگرفت ، تلفن بود ، ژاندارمری ، محاصره کارخانه ها . تا گاهی به تارخ مبارزات کارگری در ایران ، بخوبی گذشته ما را نشان میدهد . ما فراموش نکرده ایم سرکوب کارگران کوره پرخانه ها را ، ما فراموش نکرده ایم به مسلسل ستن کارگران جهان چیت را ، در غاطس ما جوادانی میماند اعصاب پرتشوکه کارگران نفسست جنوسمان که غریبه مرکبیا را بر بیکر نیمه جان نظام طاغوتی زدند .

مزد ناچیزی میگرفتیم ، خیلی روشن است و قانونش تا قبل از قیام باقی ، برای کارگر و زن و دو بچه اش حداقل دستمزد ۲۱ تومان بود . آنهم کسی ، سال ۵۷ نه سال ۵۰ و سالهای قبل از ۵۰ . سال ۵۷ با این ۲۱ تومان ما کارگران حاش را بکنید که چگونه با سستی زندگی میکردیم .

در قانون کار نظام طاغوتی گنجانیده شده بود که کارگران حق دخالت در مسائل سیاسی را ندارند و فقط به کاندیداهای منتخب میتوانند رای بدهند . ببینید ،

آبادی کشور بدست ماست و ما سازنده ایران ولی ماست سازندگان آزادی سیاسی نمیدانند . از این شونه ها زیاد است ، و در دل کارگران آگاه ما از این زخمهای کهنه فراوان . فقط کافی است دستی رویش بگذارد سر دل خود را باز کند و میدانیم که قانون اساسی طاغوت هم دست آورد خون شهیدان مشروطیت بود که باین روزش درآورده بودند و ما مترسیم از فردا که مینادا خون شهیدان ما با پمال شود .

تا اینکه بجایی رسیدیم که دیگر عرصه بر همه کارگران ، دهقانان ، پیشهوران ، مغازه داران ، دانشجو - یان ، روشنفکران انقلابی تنگ آمده بود . گرانسی ، فساد ، رشوه ، مزوکم ، مالیات ، زورگویی مد چندان شده بود که دیگر نمیتوانستیم و نمیتوانستیم به شیوه گذشته زندگی کنیم و همگی شاهد بودیم حرکت ۱/۵ سال اخیر را . در این مدت یکسال و نیم خواب آرام را از چشمان دشمنان خود ، سرمایه داران و اربابان سرکوب شده بودیم ، روزی نبود که شهید ندیم و روزی نبود که سرمایه دارها ، سرمایه بانها را از مملکت بیرون نبرند ، چون فاتحه خودشان و سرمایه بانها را خوانده شد می دیدند .

ولی ما هم بدست تشکیلات نداشتیم ، سازماندهی نداشتیم ، برآکنده بودیم و چاره جز شرکت در مبارزه همگانی نداشتیم و نتوانستیم مستقل با مسائلمان برخورد کنیم و مستقلانه با آنها در مبارزه سهم شویم . رفتم زبیر لوی دیگران ، رفتم که آنها رهبری مان بکنند . ولی بعد از قیام آنها مبارزه را پیگیری ادامه ندادند ، نیمه راه کوتاه آمدند و سازش کردند .

ما خواستمان نابودی امپریالیستها و سرمایه داران وابسته بود و سرمایه داران هم اینرا خوب فهمیده بودند و بهمین جهت بود که دسته دسته فرار میکردند .

نابرده رنج ...

شعری که در زیر میخواند از ابراهیم نظری
کاندیدای ۷ گروه سیاسی اثناللی است که در سال ۵۱
سروده شده است :

شاعر مگر گفت که گنج میسر شود ز رنج
ای برده رنج گنج ندیده بپای خیبر

آی ...
بینه بسته داستان از رنج
و مله های فقر از پاپوشان پیدا
داده تن بر نیستی ای کارگر ، دهقان
آستین چرکینان پاک قلب خفه بیداد
عدلش ظلم
قانون اسارت بندگی زندان
با شمایم فقرمان از آسمانها نیست

بدانسانی که در افسانه بهر تیرش تکرار میکردند
دیوان دشمن مردم تن آسمان
نخورده مهر بدبختی بر این پیشانی پر چن
که هر جنبش نشان از رنج و کارگوشی دارد
که دشمن کرده غارت بهره کارش
و دارد میکند هرروز و شب غارت

هدف از این همه قانون عمر و جنگلی و ضد خلقی
غارت خلق است
با بدارانش ملج نایب دندان که هر فریاد را خاموش گردانند
و تا روزی که این نشان بود بر جا
درخت کوشش دهقان نخواهد بارورگی داد
و دست پر توان کارگر بی بهره میماند
رها بی بهر فرزندان فردا نیست

عدلی نیست
قانونی نه
هر فریادمان را تا که سرب می دهد با سخ
سرای با سخی اینگونه خشمی نفرت انگیز است
نثار جانان این خشم
روزهای انتقام خلق نزدیک است

سروده در بهمن ماه ۵۱
از رفیق ابراهیم نظری

یاحکومت کارگران ، دهقانان و زحمتکشان شهری

یاحکومت سرمایه داران

ولی بعد از قیام بجای اینکه از ما کارگران ، از ما دهقانان ، از ما زحمتکشان کمک بگیرند برای ساختن جامعه جدید ، از سرمایه دارها دعوت کردند که برگردند و شروع کردند به تضمین دادن به سرمایه ، سرمایه داران و مشخصاً این موضوع در پیش نویس قانون اساسی اطلهای ۴۰ و ۴۱ آمده است .

بعد از قیام وضع ما بهتر شده است . ولی بیاییم ببینیم چه تغییراتی در زندگی ما کارگران صورت گرفته مزد ناچیزمان افزوده شده و وعده های که میدهند و آزادیهای نسبی در کارخانه ها هم بیشتر . آنهم بخاطر پاشیده کردن ماشین سرکوب نظام طاغوت ، ارتش و ساواکش که باز بدست خودمان صورت گرفت . ولی آیا دردهای ما کارگران ریشهای حل شده است و آیا دولت و این پیش نویس قانون اساسی میتوانند بدبختی ما را ریشه کن کند ، نه .

چون دولت بجای آنکه از ما کارگران برای باز سازی جامعه کمک بگیرد ، دست بطرف سرمایه داران برده از آنها میخواهد که چرخهای اقتصاد مملکت را بسراه بیاندارند تا دوباره هم چون گذشته به استثمار ما مشغول گردند ، بجای آنکه از دهقانان کمک بگیرد ، برای حل مسائل کشاورزی و تقسیم زمینهای بزرگ بین کشاورز - ان ، از زمین دارها ، اشرافها و نیروهای ضد انقلابی مانند قیاده موقت برای سرکوب دهقانان خلق کرد و همین - طور روسیه و کسب و جاهای دیگر حمایت کرده است . آتوقت از ما میخواهد که میر انقلابی داشته باشیم . مثل این میماند که زمین کشاورزی که از زینگی بی آسی میسوزد ، کشاورز فریاد بر میدارد که دارم میسوزم ، به دادم برسد ، اما به او میگویند صبر کن ، آنهم میر انقلابی . ما داریم آب میرسانیم به زمینهای کشاورزی ، ولی کشاورز در انتظار آب سر - حساب میشود و می بیند که آب جاه ، بطرف زمین دار بزرگ منقله میروند نه بکشزار او .

ما میر انقلابی داریم ، خیلی هم داریم ، ولی به این شرط که در حل مسائل اقتصادی - سیاسی از ما کمک گرفته شود ، نه سرمایه داران . و این شیوه های که پیش گرفته اند بزودی آشکار میشود که نمیتوانید مسائل و مشکلات ما را حل کنید .

در این مدت ۵ ماه آشکار شد که هنوز از ومله های که طاغوت با ما کارگران میزد ، ابایی ندارند . کمونیستها ، اخلالگرها ، خراب کارها ، همکارهای ساواک (اگرچه ساواکی ها همه به سر کار خود میشلوند) هر جا حرکتی و شکلی از کارگران برای احیا حقوق گذشته و فعلی خود دارند ، با دارها به آن سو هجوم می آورند . از ارتش برای سرکوبی خلق ترک و کرد و عرب و لر و عشایر استفاده میکنند و تحت عنوان مدانقلاب ، نیروهای خلقی را سرکوب میکنند ، نمیدانیم این چه انقلابی بود که همه نیروهای انقلابی شناخته شده اش را به مردم ضد انقلابی و وابسته به عوامل بیگانه معرفی کرده اند .

نه ، این حکومت کارگران و زحمتکشان نیست ، بلکه این حکومت سرمایه داران است . اگر حالا همه جانسه نیروها را سرکوب نمیکند ، بخاطر اختلافی است که در درون خود دارند و البته هوشیاری و جو روحیه انقلابی خلقمان است .

به کتاب فروشی ها حمله نکردند ، که کردند - به روزنامه فروشی ها حمله نکردند ، که کردند - به دفتر سازمانهای انقلابی حمله نکردند ، که کردند و عناصر انقلابی شناخته شده را دستگیر و شکنجه نکردند ، که کردند . ذهن توده ها را شیشه روز با خیرهای جعلی منحرف نمی کنند ، که میکنند . اینها همه چیزان نشان میدهد . نشان میدهد که دولت روز بروز از مردم دورتر میشود .

و در آخر می بینیم که خواسته های ما بطور اساسی و ریشهای حل نشده است و با چنین وضعیتی نیز حمل نخواهد گشت . چرا که همان بنای بوسیده قدیمی را مشغول تعمیر و رنگ و روغن زدن هستند .

و تنها حکومتی که میتواند خواسته های ما را جواب گو باشد حکومت کارگران و دهقانان و زحمتکشان و شهی است به رهبری طبقه کارگر ، نه سرمایه دارها . و ما هاشند سابق این شیوه دنبال کردن تدوین قانون اساسی را قبول نداریم .